

ابواسحاق کوبنانی ریاضی دان و ادیب قرن نهم هجری

دکتر محمود روح الامینی

ابواسحاق بن عبدالله بن خادم البرهانی کوبنانی (کوهبنانی)* ریاضی دان، منجم، فیلسوف، موسیقی شناس، ادیب و خطیب مشهور قرن نهم هجری است. تاریخ دقیق تولد و وفات او معلوم نیست؛ ولی تاریخ نوشتن و تألیف بسیاری از نامه ها و کتابهایش سالهای ۸۴۵ تا ۸۷۵ را نشان می دهد. از آثار و رسائل وی نسخه های متعددی، به عربی و فارسی، که بعضی از آنها به خط مؤلف است، در کتابخانه های معتبر یافت می شود، که به ترتیب اهمیت عبارتند از:

الف. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. مجموعه ای مشتمل بر هشت رساله، در یک مجلد، به شماره ۲۴۱۷ (اسناد خطی) به شرح زیر است:

۱ - شرح رساله شمسیه الحساب، مشتمل بر چندین فصل و باب در ریاضی

و هندسه و مثلثات

۲ - دیباچه ای است که نخست بر شرح باب چهارم شمسیه الحساب نوشته و

سپس که به شرح تمام کتاب پرداخته، این دیباچه را تغییر داده و به نام آغا بهرام روزافزون (از امراء مازندران بوده) نمود.

۳ - شرحی است بر رساله اقبال و ادبار، مخترعه ابراهیم بن نصر بن مستان

* در نوشته ها و اسناد قدیم بدون «ه» (کوبنان) آمده؛ در سده اخیر، در زبان نوشتاری

«کوهبنان» و در زبان گفتاری «کوبنان» رایج است.

(؟) که در آن اوان افکار تمام علما و متفکران را به خود جلب نموده بود.

۴ - تعلیقی است بر تحقیقات موسی (؟) و شرحی بر یک رساله

۵ - رساله‌ای در تقویم کواکب و شرحی بر فصل رابع از مقاله ثانیه زیج ایلخانی تألیف خواجه نصیرالدین طوسی که به خواسته امیر عبدالکریم (از امراء مازندران) به فارسی تألیف کرده.

۶ - رساله تألیفیه در تناسب که در ۸۶۳ در کرمان تألیف و در ۸۶۸ در جرون (شهری در هرمزگان فعلی) نوشته شده.

۷ - رساله‌ای در شطرنج به فارسی در جمادی الاخر ۸۶۸ در هرموز (جزیره هرمز) نوشته شده.

۸ - شرحی بر سی فصل از کتاب خواجه نصیرالدین طوسی.

ب . کتابخانه مجلس مجلدی از آثار وی به شماره ۶۴۰۵ (آثار خطی) به شرح زیر:

۱ - رساله تألیفیه در تناسب

۲ - شرح شمسیة الحساب

ج - کتابخانه ملی پاریس - کتاب اعمال هندسی بوزجانی (از ابواسحاق و برادرش نجم‌الدین محمود)*

به علاوه در کتابخانه‌های ملک و مدرسه سپهسالار نسخه‌های خطی از آثار ابواسحاق موجود است؛ و نیز استاد محمد تقی دانش پژوه رساله‌ای در موسیقی را از ابواسحاق، به نگارنده یاد آوری فرمودند که وی بادقت و تبحر همراه با ضبط علائم (نُت) تألیف نموده است.

قدیم ترین منبع تحقیقی که درباره ابواسحاق مطلبی نوشته ماها نامه علمی فرانسه معروف به «روزنامه آسیائی»* است که در آوریل ۱۸۵۵ (۱۳۵ سال پیش) در مقاله‌ای تحت عنوان «ریاضیات در مشرق زمین»* به شرح نظر او و نجم‌الدین

* بطوریکه از «منشآت» (که در پی خواهد آمد) برمی آید، نجم‌الدین محمود برادر ابواسحاق بوده و در جوانی درگذشت، به این ارتباط در رساله‌های ریاضی اشاره نشده است.

* Journal Asiatique, Paris 1855 Tome 5 Pages 350 à 359

* Mathematiques Chez Les Orientaux (فتو کپی ضمیمه ملاحظه شود)

محمود پرداخته است.

ابوالقاسم قربانی ریاضی دان معاصر، در کتاب ریاضیدانان ایران به معرفی ابواسحاق پرداخته است.*

منشآت ابواسحاق، اخیراً نسخه خطی از ابواسحاق تحت عنوان «منشآت» در اختیار نگارنده قرار گرفت،* که در هیچ کدام از فهرستها و مجموعه‌ها به آن اشاره نشده و شاید نسخه‌ای منحصر به فرد باشد. این کتاب ۲۰۶ صفحه‌ای شامل ۴۵ نامه خطاب به امیران و قاضیان و عالمان و عارفان است (که بعضی از آنها را ابواسحاق انشاء کرده است)* و ۱۲ دیباچه، که بر رساله‌های مختلف نوشته و ۲ خطبه می‌باشد. و در جمادی الاخر سنه ۹۱۰ در شهر یزد به خط شخصی به نام ابوسعید نوشته شده.

دستیابی به منشآت ابواسحاق، گوشه‌هایی از زندگی خانوادگی و اجتماعی و علمی او را روشن‌تر می‌سازد. چنانکه می‌دانیم مضمون و محتوای نامه‌های خصوصی - مستقیم و غیرمستقیم - نکات فراوان و دقیقی را، که چه بسا از دید مورخان پوشیده مانده است، آشکار می‌سازد.**

«منشآت»ها که جمع آوری و تألیف آنها سابقه‌ای طولانی دارد، برای پژوهشهای تاریخی و اجتماعی و فرهنگی، منابعی دقیق و ارزنده است.

در این مقوله، می‌کشیم - هر چند شتاب زده - از خلال نامه‌ها و مطالب منشآت به معرفی بیشتر ابواسحاق بپردازیم.

حسین بن معین میبیدی، گرد آورنده منشآت، که خود نیز از عرفای صاحب تألیف است، و یکی از نامه‌ها خطاب به اوست، ابواسحاق و آثار او را چنین

* ریاضیدانان ایران صفحه ۱۵۳ تا ۱۵۷ و نیز ریاضی دانان دوره اسلامی (از سده سوم تا سده یازدهم هجری) تألیف ابوالقاسم قربانی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵، صفحه ۶۰ و ۶۱

** این کتاب متعلق به مجموعه کتابهای خطی دانشمند محترم، مرحوم آقای سیدمحمد هاشمی است؛ این مجموعه می‌توانست برای دانشگاه کرمان سرمایه‌ای گرانبها باشد.

** مثلاً نامه‌ای از جانب شاه مازندران به عم او امیرنصرالدین.

** به مقاله ارزش تاریخی و اجتماعی نامه‌های خصوصی، مجله آینده اسفند ۱۳۶۷ مراجعه شود.

(fol. 179) traduction assisté de quatre de ses élèves, et s'aidant en outre d'une traduction faite antérieurement par un de ses contemporains, Nedjm-eddîn Mahmoûd. Il fait un magnifique éloge de ce dernier personnage, mort très-jeune, après avoir donné de grandes espérances, et auteur d'un commentaire sur l'Almageste, de gloses sur les Sphériques de Ménélaüs, et d'un « Résumé contenant des procédés particuliers » (جبر ملخص مشتمل بر تصرفات خاصه). Il dit même que c'est le désir de conserver au monde savant le travail de Nedjm-eddîn, qui l'a déterminé à publier sa traduction actuelle.

Pour vérifier le nom de l'endroit qui pourrait avoir formé le nom de Koubân, j'ai consulté le manuscrit du Dictionnaire géographique de Soyouthi que possède la Bibliothèque impériale. Je n'y ai rien trouvé qui puisse correspondre à ce nom, si ce n'est un nom non ponctué, écrit كوسان, se trouvant entre les deux noms كویبجان et کونبجان, et devant, par conséquent, être ponctué کویبان ou کونبان. Comme la même localité s'appelait aussi کوکبان, la leçon کونبان « Koutibân » m'a paru préférable, et je crois que c'est d'après elle qu'il faut modifier la leçon du manuscrit persan. Voici l'article du Dictionnaire de Soyouthi : قری کرمان بها وبقریة اخرى يقال لها مهاباد تعمل التوتیا Kou(tib)ân, se dit aussi quelquefois Koulibân, une des villes de Kermân; on y fabrique, de même que dans une autre ville appelée Mahâbâd, du collyre, que l'on porte dans le

نقل از مجلد « روزنامه کرمینا » « صورته پارس » ۱۸۵۵

نام و نشان این خاکسار پیشان تراب اهدام
 درویشان حسین بن یمن سیدی خدای تعالی
 با تائید الابدی دارند و او را از جمله مخلصان
 شایسته آن خودی شمارد و اشاره نمودن بر ایشان
 صادر شد که منشآت رفیع ایشان ایشان را که
 چون زلف خوبان پریشان بود کاکل صخره بر بوط
 سازم و ارقام اعلام حقایق انجام که بر قسم تفرقه
 و رسوم بود مضبوط گردانم از برای انبیا و اولیای
 این امر همین فال نجسته مال آسمان و ارض
 خدای از برای او اوقاف نفی بر میان جانان
 ساختم و اسکن این مجموعه که نمونه بیت محراب
 بر چهار درگاه از آهسته و آسالی است توفیق الاله
 غازی ولی سادات کمال الافام
 جواب نامه خدام صخره شاه خوانده من نعمه الهی
 کنی بود بخداوند منم محسن پیام بنده تو شاکس از

صفحه منشآت ابراهیمی

معرفی می کند:

«... از جمله افاضل که در این زمانِ معارف نشان به انشاء حقایق و ابداء دقایق در جمیع مجالس مشهور و در همه مدارس مذکور است، حکیمی فیلسوفی نکته دانست، (... استاد العلماء فی الافاق، شرف الحکمته والدين شيخ ابواسحاق ایده الله تعالی معارج کماله و خلد مدارج جلاله و بی شایبه تکلف و رایحه تصلف هر نامه نامی که مرقوم کلک سامی آن جناب حکمت مآب شده، بر مثال نامه ابرار، مظهر انوار است و هر حرفی از آن ظرفِ جواهر اسرار است و چون اهتمام تمام در شأن این خاکسار پریشان، تراب اقدام درویشان حسین بن معین میبیدی حصنه الله تعالی بالتأیید الابدی دارند و او را از جمله مخلصان و شاگردان خود می شمارد. اشاره مقرون به بشارت صادر شد که منشآت رفیع الشأن ایشان را که چون زلف خوبان پریشان بود کاکل صفت مربوط سازم و ارقام اقسام حقایق انجام که بر قسم تفرقه موسوم بود مضبوط گردانم...»*

ابواسحاق درباره نسب خود در پایان دیباچه رساله اقبال و ادبار می نویسد:

«ابواسحاق شیخ زاده ابن الخادم البرهانی الکوبنانی»* و در نامه دیگر

آورده، «انا الفقیر ابواسحاق بن عبدالله»

وی در دو نامه به مشکلات زندگی داخلی اشاره دارد. از جمله در نامه‌ای به ملاصدرالدین علی طبیب اصفهانی، ضمن عذرخواهی از عدم قبول دعوتی که از او نموده، می نویسد: «... وپای بند جمعی عیال و اطفال شکسته بال و سراسیمه احوال شده ام،

در کوی تونایم که پریشان شوت دل گر چشم تو بر حال پریشان من افتد»**

و در نامه‌ای دیگر: «... خاطر این سرگشته بی سروسامان (... به ضبط

اطفال و عیال مبتلا و گرفتار گشته»*** و در نامه‌ای که مخاطب آن معلوم نیست، فرج

* صفحه ۳ و ۴ | منشآت (نسخه خطی)

** صفحه ۱۵۷ (همان)

*** صفحه ۱۱۲ (همان)

*** صفحه ۱۱۱ (همان)

مشغله اش را بیان می‌دارد: «بواسطه محصلان زراعت کوبنان، به سعادت خدمت مسارعت نتوانست نمود.»*

ابواسحاق را دو برادر بود. یکی از آنها نجم‌الدین محمود، که دیباچه «شرح‌المجستی» او در منشآت آمده؛ وی بیمار می‌شود و ابواسحاق در نامه‌ای که به خواجه ضیاء دین (ضیاء‌الدین) محمد یزدی می‌نویسد، نگران بیماری اوست: «مدتی شد که برادرم شیخ نجم‌الدین محمود مریض است، از میامن نسیم دولت صاحبی صباء صحت بوزد و هیچ یک را از زمره داعیان این دولت و موالیان آنحضرت چشم زخم حوادث ترسد.»* نگرانی ابواسحاق بی‌مورد نبود؛ نجم‌الدین محمود در جوانی می‌میرد. در منشآت یک نامه در رثاء برادر و خطبه‌ای در سالروز مرگ او، به زبان عربی، آمده است.

برادر دیگر او به نام برهان است، که برای رفع گرفتاری او به یکی از بزرگان زمان خود می‌نویسد: «... حال برادرم برهان برضمیر غیب‌دان پنهان نیست، امید به کرم آن کریم چنان است که ملتفت حال او شوند و به هر چه موجب نجات و مدد خلاص او باشد اشاره فرمایند و به آنچه بنده دولتخواه را باید گفت و کرد هدایت نمایند.»**

ابواسحاق از شاگردان مدرسه «سعدیه»** و هم در آنجا مدتی را به تدریس علوم عقلی و نقلی پرداخته است. در نامه‌ای که به خواجه عبدالقادر کرمانی درباره صدور پروانچه، برای دریافت مبلغی از دیوان اوقاف، از جمله می‌نویسد: «... مدرسه سعدیه که در آنجا استفاده از استادان که هم آنجا متوطن بودند، نموده و خود مدتها آنجا به درس و نشر علوم عقلی و نقلی مشغول بوده...»**

* صفحه ۱۶۶ (همان)

** صفحه ۸۲

** صفحه ۱۶۵

** معلوم نیست که مدرسه سعدیه در کدام شهر بود؛ احتمالاً در کرمان بوده (چون نامه خطاب به عبدالقادر کرمانی است). و قابل توجه است اگر منسوب به سعدی شیرازی باشد.

** صفحه ۹۴ منشآت (نسخه خطی)

علاوه بر تبخّر در علوم ریاضی و نجوم و عقلی و نقلی، وی شاعر و ادیبی توانا بود و از شعر شاعران بسیاری چون انوری، سعدی، امیر خسرو دهلوی، حافظ و دیگران، برای زینت و تأکید و توجیه کلام و بیان استفاده نموده. تا جایی که در نامه‌ها و خطبه‌های عربی نیز از شعرهای فارسی شاهد آورده. در منشآت ۱۵۲ بیت فارسی و ۲۴ بیت عربی آمده، از این مجموعه ۴۵ بیت از دیوان حافظ است، و بعضی از بیت‌ها به صورتی است که با نسخه‌های دیگر فرق دارد.*
نمونه‌ای از شعر ابواسحاق که در مجموعه دانشگاه تهران آمده:

از خمیر طینت آدم به قوت مایه بود
عنصر او ورنه اکنون تا بماندستی فطیر
ز آب دانش پخته شد نان وجودش لاجرم
صانع از خاکش برون آورد چون موی از خمیر
این مقوله را با نقل جمله‌هایی از دو دیباچه به پایان می‌بریم و امید است که توفیق انتشار منشآت، که در پی تنظیم آنم، دست دهد:

دیباچه رساله حساب شطرنج:

«این تحفه لایق عرصه بساط مجلس وزیر شاه عالم و ناکزر (؟) امم و خلاصه بنی آدم افتاده که در بساط فضل گسترای جواد طبع جوادش محاسبان ایام را که مبارزان عرصه زمانند، اسب و رخی نهاده و در رکاب سیر خاطر برق آثار و قادش بعاشیه کشی جمله پیاده خوضی که در لجه این بحر سیاق حساب و نهر مهارت در این باب رفته هم قلم فکر خواص خاطر خطیر و ضمیر منیر با تدبیر برق مسیرش به غور رسد...»*

دیباچه رساله «در باب آنکه محیط دایره ثلث امثال و سبع قطر است.»:
«باعث بر تقریر این مقاله و تحریر این رساله آنست که دقیقه‌ای از بدایع

* به مقاله «قرآن به سبعم خوانی در چارده روایت» حافظ شناسی شماره ۱۲ انتشارات پازنگ سال

۱۳۶۹ مراجعه نمایید.

‡ صفحه ۱۷۳ منشآت (نسخه خطی)

علوم ریاضیات که صیقل علوم و محک افهام و رافع اذهان و دافع اوهام است به منصفه عرض عقلاء بلاد و امصار و زیرکان زمان و اهل استبصار، هر چند مثل زر به کان وزیره به کرمان است، برساند و چون از عالیحضرت اعلیٰ صاحب صائب اراء (...) اشارتی صادر گشت درباب مساحت دایره و نسبت محیط آن با قطر که ثلث امثال قطر و سبع قطر است که این سبع چگونه است و چون این مسأله از غرائب مسائل و عجایب رسائل است که ارشمیدس حکیم بیرون آورده و در تحقیق آن از علمی و عملی غایت توضیح و تنقیح رفت، ارجمون الله که از میامن این دولت منافع بی غایت به طلبه علوم یقینی عاید گردد. .»



ژرفشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی